خبر

اندیشه های دفاعی مقام معظم رهبری بهترین الگو بازدارندگی نیروهای مسلح

حسن عفت پناه معاون سیاسی عقیدتی سیاسی قرارگاه عملیاتی منطقه ای شرق کشور وکارشناس ارشد مسائل سیاسی در همایش سیاسی و بصیرتی فرماندهان قرارگاه عملیاتی لشکر ۳۰ و تیپ۲۳۰گرگان با بیان تاثیر کیفیت نیروی انسانی درکارآمدی نیروهای مسلح گفت :اندیشه های مقام معظم رهبری بهترین الگوی بازدارندگی نیروهای مسلح کشور در منطقه و فرامنطقه ای است که باید بعنوان یک اصل مهم مد نظر قرار گیرد.عفت پناه با برجسته شمردن ویژگی های ویژه رزمندگان نیروهای مسلح ایران و تفاوت آن با مزدوران سایر کشورهای منطقه تصریح کرد :مقاومت،هوشیاری راهبردی،معنویت محوری،خود اتکایی ،خودکفایی چهار مولفه هدفمند و مطلوب مقام معظم رهبری برای نیروهای مسلح است که با تکیه بر این چهار اصل هیچ هژمونی توان ایستادگی در مقابله با ایران را ندارد ،و در هشت سال دفاع مقدس این مهم را با ایستادگی به اثبات رساندند که دشمنان با عجز و ناتوانی با تغییر دکترین خود در جنگ سخت ،در اندیشکده ها و اتاق فکر خود بشدت مشغول برنامه ریزی در جنگ نرم هستند که الحمدالله با بصیرت به خوبی توانسته ایم آنرا خنثی کنیم.معاون سیاسی عقیدتی سیاسی قرارگاه منطقه ای شمالشرق کشوربه اشاره به پتانسیل و ظرفیت های بی نظیر و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئو استراتژیک برتر ایران در منطقه غرب آسیا خاطر نشان کرد :آمریکایی ها و اروپایی ها تمام منافع خود را در بهم ریختن نظم منطقه غرب آسیا میبینند که متاسفانه توانسته اند در کشور های همسایه بعنوان یک گاو شیرده آنرا تامین نمایندو مقاصد سود جویانه خود را دنبال نمایند. عفت پناه موقعیت برتر ایران در منطقه بیان داشت :اگر نگاهی عمیق به نقشه خاور میانه داشته باشیم و موقعیت کشورهای پیرامون را به لحاظ ساختاری و سیاسی در مقیاسهای مختلف تحلیل کنیم ، نتیجه آن اینست که در چهاراهی قرار داریم که فوران ناامنی و آشوب است که امن ترین این کشورها ایران است که ما باید قدر این امنیت ،آرامش را بدانیم و همواره رشادت یاد و خاطره شهدای عزیز مدافع حرم که این عزت را برای ما به ارمغان آورده اند از یاد نبریم.

تلاش برای به صفر رساندن زندانیان مهریه در گلستان تا پایان دی ماه

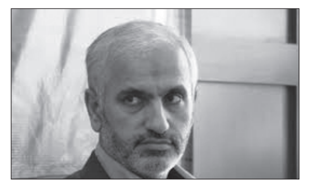

رئیس کل دادگستری گلستان از تلاش این دستگاه برای به صفر رساندن زندانیان مهریه تا پایان دی ماه در استان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری گلستان، هادی هاشمیان اظهار کرد: دادگستری گلستان طرحی را با مشارکت همه حوزه های قضایی استان اجرا می کند که در قالب آن قرار است تا پایان این ماه، تعداد زندانیان مهریه به صفر برسد. وی گفت: در قالب این طرح روسای دادگستری ها و دادستان های حوزه های قضایی سراسر استان پرونده های محکومان مهریه را استخراج و با مراجعه به زندان، برای تعیین تکلیف و تقسیط مهریه اقدام می کنند. هاشمیان که خود به همراه معاونین، روسا و دادستان های ۱۰ شهرستان استان به زندان گرگان رفته بود در جمع زندانیان مهریه گفت: کسانی که خودشان هم در صدد پرداخت مهریه هستند اما به دلیل تغییر ناگهانی قیمت سکه دچار مشکل شده اند با درخواست تقسیط سکه های آنان موافقت می شود و برای دریافت تسهیلات به آنان داده می شود. وی افزود: در پی بخشنامه رئیس قوه قضاییه، به همه حوزه های قضایی استان اعلام کرده بودیم، بررسی درخواست های تقسیط مهریه این افراد را در اولویت قرار دهند و روسای دادگستری ها شخصا بر روند اجرای بخشنامه تقسیط مهریه متقاضیان، نظارت کنند. این مقام ارشد قضایی گلستان ابراز امیدواری کرد که با این اقدامات تا پایان این ماه تعداد زندانیان مهریه استان به صفر برسد. وی افزود: میانگین سنی افرادی که به علت ناتوانی در پرداختن مهریه در گلستان زندانی هستند ۳۴ سال است.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

گام رو به عقب در مدیریت سیل

نبود هماهنگی بین دستگاهی و اجرایی نشدن برنامه جامع برای مدیریت سیل باعث شده است که گلستان همچنان در لیست ۱۰ استان درگیر سیل در کشور قرار داشته باشد. به گزارش مهر، بر اساس آمار از سال ۱۳۷۰ تا ۹۵ بیش از ۱۲۰ فقره سیل کوچک و بزرگ در گلستان رخ داده و حدود هفت هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال خسارت به استان وارد شده است اما گلستان هنوز برنامه جامع مدیریت سیل ندارد. پس از سیل مردادماه ۱۳۸۰ که از آن به عنوان ویرانگرترین سیل در کشور یاد می‌شود و بر اثر آن ۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند، یک روستا به‌طور کامل تخریب شد و چند روستا در شرق استان مجبور به کوچ شدند، تدوین برنامه جامع مدیریت سیل گلستان در دستور کار قرار گرفت. هرچند این موضوع (در دستور کار قرار گرفتن تدوین برنامه جامع) پنج سال طول کشید و اما تدوین و تصویب این برنامه بیش از یک دهه زمان برده و گلستان همچنان در لیست ۱۰ استان سیل‌گیر کشور قرار دارد.

معاون حفاظت و بهره‌برداری آب منطقه‌ای گلستان سیل در استان را یک پدیده طبیعی و با تلفیقی از دو منشاء طبیعی و غیرطبیعی (انسانی) می‌داند و می‌گوید: تغییر اقلیم، کاهش جنگل‌ها، افزایش گازهای گلخانه‌ای و ... باعث شده رژیم بارش‌ها تغییر کند و در عرض چند ساعت در برخی نقاط کوهستانی به اندازه بارش یکماه بارندگی اتفاق بیفتد.

طرح مدیریت سیلاب گلستان هنوز ردیف اجرایی نگرفته است

حسین دهقان یادآور می‌شود: پس از سیل ۱۳۸۰ دو سری اقدامات فوری و اضطراری و درازمدت برای مدیریت سیلاب در استان در دستور کار قرار گرفت؛ در برنامه کوتاه‌مدت ترمیم نقاط آسیب‌دیده بر مبنای اولویت آسیب‌پذیری و در برنامه درازمدت تدوین طرح جامع مدیریت سیل استان، دیده شد. وی با این توضیح که از آن زمان ترمیم نقاط آسیب دیده برای این‌که دوباره محل بروز حادثه نشود (بسته به‌ظرف بودجه‌ای) در حال انجام است، بیان می‌کند: طرح جامع مدیریت سیلاب تدوین شده و در مرحله گذراندن تصویب است اما با تلاش‌های انجام شده، این طرح هنوز نتوانسته ردیف اجرایی بگیرد. معاون حفاظت و بهره‌برداری آب منطقه‌ای گلستان با بیان این‌که در این طرح باید اقدامات متعددی از جمله انجام آبخیزداری، آگاهی بخشی مردم و کارهای سازه‌ای انجام شود، تصریح می‌کند: این فرضیه باید از ذهن همه ما پاک شود که با اجرای این طرح، خطر سیلاب برای همیشه از استان دور می‌شود بلکه در این برنامه تلاش داریم با مدیریت سیلاب بتوانیم خطرات سیلاب را کاهش دهیم. درحالی‌که دهقان از پایان تدوین طرح مدیریت سیل گلستان خبر می‌دهد، اما مدیرکل منابع طبیعی گلستان که سال‌ها سِمَت معاون آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی گلستان را بر عهده داشته، معتقد است طرح سیل گلستان در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده اما تخصیص اعتبار آن تاکنون کمتر از ۴۰ درصد بوده است. ابوطالب قزلسفلو اظهار می‌کند: از نظر علمی، فنی و کارشناسی کنترل سیل در دنیا معنا و مفهوم ندارد بلکه سیل را مدیریت می‌کنند تا تلفات و خسارت‌های آن به حداقل برسد.

تخصیص ۴۰ درصدی اعتبار طرح سیل گلستان در ۱۷ سال

وی می‌افزاید: در سال ۱۳۸۲ طرح سیل گلستان مصوب شد و قرار بود در طول ۱۲ سال ۱۸۲ میلیارد تومان (به نرخ سال ۱۳۸۲) اعتبار تخصیص یابد اما با گذشت ۱۷ سال فقط ۴۰ درصد آن اختصاص یافته است. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان ادامه می‌دهد: تاکنون در حدود ۴۹۰ هکتار از سطح استان عملیات آبخیزداری انجام شده و مطالعات آبخیزداری ۷۰۰ هزار هکتار به پایان رسیده و هم‌اکنون ۱۰۰ میلیارد تومان پروژه مطالعه شده در حال اجرا داریم که منتظر دریافت اعتبار است. وی با بیان این‌که در هر نقطه استان که عملیات آبخیزداری انجام شده به زعم کارشناسان، فرمانداران و مردم محلی سیلاب مدیریت شده است، خاطرنشان می‌کند: انجام نشدن کار آبخیزداری در بخش‌های زیادی از استان، تغییر الگو و شدت بارش‌ها در گلستان باعث شده گلستان همچنان از استان‌های سیل‌خیز کشور باشد. هرچند قزلسفلو تخصیص نیافتن اعتبارات و تغییر الگو و شدت بارش‌ها در گلستان را عامل سیل‌خیزی استان می‌داند، امامدیرکل مدیریت بحران استانداری گلستان معتقد است حلقه مفقوده این موضوع را باید در نبود مطالعات جامع و فقدان هماهنگی بین دستگاهی در گلستان یافت. مجتبی جمالی می‌گوید: هم‌اکنون مطالعات جامع و یکپارچه برای مدیریت امور سیلاب نه تنها در گلستان بلکه در کشور وجود ندارد و اگرهم مطالعاتی وجود داشته باشد به دلیل محدودیت‌های اعتباری به ویژه در حوزه اقدامات پیشگیرانه خیلی موفق نبوده و نیستیم. وی با بیان این‌که بخشی از چالش‌های این حوزه به سیاست‌گذاری‌های سال‌های متمادی قبل باز می‌گردد، تصریح می‌کند: به اعتقاد من تاکنون در این حوزه نگاه بلندمدتی وجود نداشته است؛ در عین حال نیازمند مطالعاتی با مشارکت و همفکری همه دستگاه‌ها و به‌طور منطقه‌ای (نه تک استانی) بوده‌ایم که تاکنون مغفول مانده‌است.

در هماهنگی بین بخشی موفق نبوده‌ایم

مدیرکل مدیریت بحران استانداری گلستان با تأکید بر این‌که نوع بارش‌ها در استان ناشی از تغییر اقلیم متفاوت شده و شاهد بارندگی‌های سیلابی در مدت کوتاه هستیم، بیان می‌کند: همچنین در حوزه مدیریت سیل در استان اولویت دستگاه‌های متولی باهم متفاوت است و شاید یکی از دلایلی اصلی آسیب‌پذیری استان را بتوان در این موضوع (نبود هماهنگی بین دستگاهی) جستجو کرد. وی با اشاره به این‌که تاکنون در هماهنگی بین دستگاهی موفق نبوده‌ایم، خاطرنشان می‌کند: ما به بانک اطلاعاتی برای هم‌افزایی و مشخص کردن اولویت‌ها و همچنین تخصیص اعتبارات برای اجرای طرح‌های مدیریت سیل در استان نیازمندیم تا بتوانیم در این حوزه زودتر به نتیجه برسیم. درحالی‌که جمالی حلقه‌های مفقوده مدیریت سیل استان را در مولفه‌های اساسی مدیریت یکپارچه جستجو می‌کند اما به‌زعم کارشناسان حوزه آب، گام رو به عقب کارگروه سیل و جایگزین شدن طرح به‌جای برنامه جامع مدیریت سیل گلستان باعث‌شده‌سیل و خسارت‌های آن‌همچنان گلستان را تهدید کند. یک کارشناس حوزه آب هم به می‌گوید: برنامه مدیریت جامع سیل پس از سیل‌های دهه ۸۰ در شرق گلستان تدوین شد اما یکی دو سال قبل این برنامه در ادبیات مدیران گلستانی جای خودش را به طرح مدیریت سیل داد. حسین محسنی می‌افزاید: وقتی صحبت از برنامه برای انجام کاری مثل مدیریت سیل به‌میان می‌آید یعنی آن‌که یک برنامه مدون تدوین شده و دستگاه‌های مختلف در آن نقش دارند و برای هرکدام از آن‌ها زمان و بودجه مشخصی درنظر گرفته و مولفه‌ها و زیرمولفه‌های برای آن تعیین شده است. وی ادامه می‌دهد: اما وقتی صحبت از یک طرح برای مدیریت سیل در گلستان مطرح می‌شود یعنی این‌که یک دستگاه اجرایی باید کاری را انجام دهد؛ مثل طرح ساخت شبکه‌ها و یا سدهای انحرافی. وی اضافه می‌کند: در دهه ۸۰ بحث بر سر تدوین برنامه کنترل سیل بود که تمام مطالعات و کارهای اجرایی آن انجام و مولفه‌ها و زیرمولفه‌های اجرای برنامه در کارگروه سیل استان مشخص شد و حتی در همان کارگروه دستگاه‌های اجرایی مختلف به این نتیجه رسیدند که سیل قابل کنترل نیست بلکه باید مدیریت شود و بر همین اساس برنامه جامع مدیریت سیل گلستان در سال ۱۳۸۵ مصوب شد.این کارشناس حوزه آب با یادآوری این‌که تدوین این برنامه دو یا سه سال طول کشید، متذکر می‌شود: اگر همان برنامه جامع مدیریت سیل مورد توجه مدیران گلستان قرار می‌گرفت می‌توانستیم امید داشته باشیم مولفه‌های آن برنامه با اعتبارات تخصیصی و با اولویتی که کارگروه سیل برای آن تصیم گرفته است، اجرا شود اما هم‌اکنون هرکدام از دستگاه‌ها کار خودشان را انجام می‌دهند و هماهنگی‌ها در حوزه مدیریت سیل گلستان به شکل موثر انجام نشده و نمی‌شود. آنچه مسلم است برای مدیریت سیل و کاهش خسارت‌های آن در گلستان نیازمند اجرای یک برنامه جامع و هماهنگی بین دستگاهی هستیم نکته‌ای که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است.

دستگاه‌های اجرایی گلستان از پیمانکاران داخلی استفاده کنند

استاندار گلستان گفت: دستگاه‌های اجرایی گلستان از پیمانکاران و مصالح داخلی استفاده کنند. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استانداری گلستان، سید مناف هاشمی در هشتمین جلسه شورای فنی استان و همایش استانی عوامل نظام فنی و اجرایی، اظهار کرد: دستگاه های اجرایی استان باید در پروژه های عمرانی ترجیحاً از مصالح تولید شده در گلستان و همچنین ظرفیت پیمانکاران بومی استفاده کنند تا زمینه رونق را فراهم آورند.وی افزود: در حال حاضر شرایط دولت و بخش خصوصی خاص و سخت است و باید با درک متقابل شرایط آینده را تسهیل کرد. هاشمی با اشاره به مطالبات پیمانکاران از حوزه تامین اجتماعی و دارایی، گفت: درآمدهای تامین اجتماعی در گلستان ۸۰۰ میلیارد تومان بوده در حالی که هزینه های این سازمان برای استان بیش از هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان است؛ همچنین در حوزه دارایی هم درآمدهای استان ۴۲۱ میلیارد تومان و هزینه کرد این سازمان برای گلستان چهار برابر است.وی افزود: تلاش ما از لحظه حضور در استان معطوف ساختن نگاه مدیران به ردیف های ملی بودجه بوده است و خوشبختانه در حوزه های مختلف کشاورزی، راه سازی، آب و فاضلاب و غیره توانستیم سهم استان را در بودجه سال آینده 1.5 تا دو برابر افزایش دهیم.استاندار گلستان خاطر نشان کرد: باید پیمانکاران استان توانمندی های خود را ارتقا بخشند و ضمن رعایت اصول فنی به گرید های عالی دست یابند چرا که به لحاظ قانونی نمی توان راه را برای رقابت پیمانکاران خارج استان مسدود کرد و باید با افزایش توان داخلی استان اعتماد کارفرمایان را جلب کرد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجراییه

احتراما بدینوسیله به دل آرا غلامی فرزند نعمت اله به شماره شناسنامه ۷۵۶ و کدملی ۲۲۴۹۸۴۶۶۶۹ به نشانی گرگان شهرک شهریار مجتمع ساحل بلوک ۴ و کدپستی ۴۹۱۴۸۱۴۴۵۷ ابلاغ می گردد که بانک مسکن شعبه ولیعصر به استناد قرارداد بانکی ۴۲۶۸/۱۰۲۲۳ مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۳ با موضوع لازم الاجرا ۱۴۶/۱۳۷/۸۹۶ ریال که از تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۴ تا تسویه کامل ۱۸ درصد در سال به بدهی اضافه می گردد بر علیه شما و آقای حمیدرضا قلیچ لی فرزند بهرامعلی و سکینه جنجالی حسین آباد فرزند علی که به علت عدم پرداخت بدهی مبادرت به صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجراییه صادر و بکلاسه ۹۳۰۰۷۵۶ در این اجرا تشکیل با توجه به گزارش مامور در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید لذا با توجه به درخواست بستانکار و طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان –نعمت اله عظیمی پور – ۲۲۸۱ م الف

تاسیس موسسه غیر تجاری انجمن علمی و آموزشی معلمان رایانه استان گلستان

درتاریخ ۰۴/۱۰/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۹۱۷ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۰۳۰۴۶۷ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. – موضوع : پژوهش در زمینه های علمی، فرهنگی در سطح بین المللی بین معلمان و متخصصانی که به گونه ایبا موضوع فعالیت انجمن سر و کار دارند –همکاری با نهادهای علمی ، پژوهشی و اجرایی آموزش و پرورش در زمینه های دستاوردهای علمی و بازنگریطرح ها، بررسی مسایل و مشکلات اجرایی ، ارزیابی و بازنگری طرح ها و برنامه های مربوط به آموزش و پرورش در زمینه علمی موضوع فعالیت انجمن.ترغیب و تشویق هنر آموزان و دانش آموزان به شرکت در امور پژوهشی و آموزشی.تلاش به منظور ارتقاء سطح علمی معلمان به طریق مشارکت با گروه های آموزشی و برنامه های آموزشی کوتاه مدت هنرآموزان در زمینه نیاز سنجی، طراحی، نحوه اجرا و ارزشیابیدوره های آموزشی استان.دیت یابی به روش هاو شیوه های جدید آموزشیومعرفی استانداردهای آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی انتقال تجارب علمی و فن تدریس به معلمان و ایجاد زمینه همکاری و مشارکت علمی بین معلمان کامپیوتر.ترویج روحیه تحقیق و مطالعه صحیح در میان دانش آموزان و معلمان کامپیوتر.ترویج فرهنگ صحیح استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و منابع دیگر اطلاعاتی بین دانش آموزان ومعلمان.آموزش شیوه های انجام کار گروهی به دانش آموزان ومعلمان کامپیوتر.ایجادروحیه کاآفرینی دردانش آموزان.تشکیل گردهمایی ،مسابقات علمی.انتشار کتب، جزوات ونشریات علمی.تجلیل از مقام والای پیشکسوتان و معلمینی که دارای نوآوری هایی بوده و یا دارای فعالیت علمی و آموزشی بیشتری هستند شماره مجوز ۶۱۰/۱۳۹۵۴۳/۲۷۰۰– ۱۳۹۷/۰۱/۰۱ ۰اداره کل آموزش وپرورش گلستان ذیصلاح (ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ وصدور پروانه فعالیت نمیباشد) –مدت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود –مرکز اصلی : استان گلستان –شهرستان گرگان –بخش مرکزی –شهر گرگان–شهدا–کوچه پاسرو[۱۵ متری اول]–کوچه لاله ۱–پلاک ۰ –طبقه همکف– واحد جنوبی کدپستی ۴۹۱۳۶۴۴۴۸۵ –سرمایه شخصیت حقوقی : ۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد. –اسامی و میزان سهم الشرکه شرکا : آقای مسعود ایمری به شماره ملی ۰۰۶۱۲۳۹۷۶۳ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم بتول حجتی به شماره ملی ۲۱۲۱۴۳۳۹۵۳ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم سمیعه نظری نژاد به شماره ملی ۲۱۲۱۴۳۹۱۶۱ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم مریم شاهینی به شماره ملی ۲۱۲۱۸۷۲۲۷۲ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم الهام بطیار به شماره ملی ۲۱۲۲۶۲۴۸۷۶ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای مهرداد پور قاز به شماره ملی ۲۲۰۰۴۲۹۱۱۸ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم آرزو دارخال به شماره ملی ۲۲۳۹۷۷۶۹۳۵ دارنده ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال سهم الشرکه – اولین مدیران : خانم مریم شاهینی به شماره ملی ۲۱۲۱۸۷۲۲۷۲ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم الهام بطیار به شماره ملی ۲۱۲۲۶۲۴۸۷۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم بتول حجتی به شماره ملی ۲۱۲۱۴۳۳۹۵۳ به سمت عضو هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال آقای مسعود ایمری به شماره ملی ۰۰۶۱۲۳۹۷۶۳ به سمت عضو هیئت مدیره –عضو علی البدل به مدت ۲ سال خانم سمیعه نظری نژاد به شماره ملی ۲۱۲۱۴۳۹۱۶۱ به سمت عضو هیئت مدیره – عضو علی البدل به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : –کلیه اوراق واسناد بها دار وتعهداور موسسه از قبیل چک سفته بروات قرار دادها وعقود اسلامی ونامه های اداری با امضاء مدیر عامل ورئیس هیئت مدیره همراه با مهر موسسه معتبر می باشد . ودر غیاب رئیس هیئت مدیره وظایف بعهده نائب رئیس می باشد.اوراق عادی ونامه های اداری با امضا مدیر عامل ومهر موسسه معتبر است . –اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان– اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان– شناسه آگهی ۳۳۰۸۸۵

آگهی ابلاغ اجراییه کلاسه: ۹۷۰۱۳۷۷

بدینوسیله به آقای میثم شاه حسینی فرزند: رضا و شماره ملی:۲۱۲۱۷۵۰۵۹۲ و شماره شناسنامه: ۱۰۷۴ به نشانی: گرگان –بلوار گلشهر –گلشهر ۳۰ –مقابل شهرک ایثار ابلاغ می گردد که خانم سمیه خسروی باستناد سند ازدواج شماره ۴۹۱۰۳ دفتر خانه ازدواج شماره ۴ و طلاق ۱۲ شهر گرگان با موضوع لازم الاجرا ۴۰۰ عدد سکه طلای تمام بهار آزادی و مقدار دوازده مثقال طلای ۱۸ عیار ساخته شده بانضمام خسارت قانونی بر علیه شما مبادرت به صدور اجراییه نموده که با کلاسه پرونده ۹۷۰۱۳۷۷ تشکیل و برابر گزارش مامور پست در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته شما را معرفی نماید لذا به تقاضای بستانکار و برابر ماده ۱۸ –آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی اجراییه در یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار مجاز محل یا نزدیکترین به محل چاپ و درج و منتشر می گردد چنانچه پس از ده روز از تاریخ انتشار که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی اقدامی ننمایید عملیات اجرایی بر علیه شما تعقیب و بجز این آگهی و آگهی مزایده در صورت بازداشت اموال آگهی دیگری صادر و منتشر نخواهد شد.

رییس اداره اجرای گرگان –عظیمی پور –۲۲۹۴ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه به ورثه(سند رهنی)

بدینوسیله به خانمها شهناز، لطیفه، مرضیه، سغیده و آقایان حاجی نور، فرزاد، فرهاد همگی خالدی و بی بی فاطمه بابکی همگی بنشانی: گمیشان –خیابان امام خمینی –منزل عبدالکریم خالدی و آقای کمال الدین خالدی بنشانی گمیشان –ابتدای بلوار امام –جنب جهاد و آقای احمد خالدی بنشانی گمیشان –جنب اداره کشاورزی –ضلع جنوبی و آقای یوسف خالدی بنشانی گمیشان –چهار راه اصلی –خیابان شهید مرگنی و آقای وهاب خالدی بنشانی گمیشان –مسکن مهر –منزل شخصی و خانم مارال خالدی بنشانی گرگان –گلشهر ۸ –گل آرای ۱۰ –مجتمع خاطره –منزل دکتر حمید دهقان(همگی وراث آقای عبدالکریم خالدی)، ابلاغ می شود؛ که بانک کشاورزی شعبه بندرترکمن به استناد سند رهنی شماره ۶۵۴ – ۸۵/۱۱/۲۱ تنظیمی دفتر اسناد رسمی ۳۳ بندرترکمن جهت وصول مبلغ ۱/۴۳۷/۸۵۴/۷۹۸ ریال تا تاریخ ۹۵/۹/۲۲ بابت اصل و سود و خسارت تاخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی مبلغی معادل ۴۵۱/۴۱۷ ریال بابت خسارت تاخیر روزانه، به آن افزوده می گردد، بابت بدهی مذکور به بانک فوق بدهکار می باشید، طبق مقررات علیه شما اجراییه صادر نموده و پرونده اجرایی به شماره پرونه بایگانی ۹۶۰۰۰۲۹ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش های مورخه ۹۶/۸/۱۴ و ۹۶/۸/۱۶ مامور ابلاغ اعزامی اداره پست بندرترکمن و اداره اجرای گرگان، امکان ابلاغ واقعی در محل اقامت شما به شرح آدرس های مندرج صدرالاشاره، اعلامی از سوی بانک مذکور، میسر نگردیده و بستانکار نیز، نمی تواند شما را معرفی نماید و برای این اداره نیز، ابلاغ واقعی میسر نمی باشد، لذا بنا به تقاضای بانک بستانکار طبق ماده ۱۹ و ۱۸ آیین نامه اجرا مفاد اجراییه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی مورث خود اقدام ننمائید، مورد وثیقه مندرج در سند رهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفا خواهد شد. ضمنا اجراییه مورد نظر به خانمها حاجیه بیکه خالدی و مهناز خالدی در مورخه ۹۶/۸/۱۰ ابلاغ واقعی گردید.

حجت اله تجری –رییس ثبت اسناد و املاک بندرترکمن –۲۲۹۹ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه به ورثه(سند رهنی)

بدینوسیله به آقایان کمال الدین و یوسف خالدی بنشانی: گمیشان –چهارراه اصلی به طرف ضلع جنوبی و آقایان فرهاد و فرزاد خالدی بنشانی: گمیشان – خیابان امام خمینی –منزل مرحوم عبدالکریم خالدی و خانم مهناز خالدی بنشانی: گمیشان – شهرک امام منزل فرزاد حاجی خوزین و آقای حاجی نور خالدی بنشانی: بندرترکمن –غرب سپاه و خانم مارال خالدی بنشانی: گرگان – گلشهر ۸ – گل آرای ۱۰ – مجتمع خاطره –منزل حمید دهقان و خانم لطیفه خالدی بنشانی گنبد –منزل نوری آق و خانم سغیده خالدی بنشانی: گنبد –شهرک فاز ۲ منزل حاجی منصور نیازی و خانم مرضیه خالدی بنشانی –قارقی –منزل ادریس کر و خانم بی بی فاطمه بابکی بنشانی: گمیشان –خیابان امام و خانم شهناز خالدی بنشانی: گنبد –منزل حاجی پورقاز و آقای وهاب خالدی بنشانی: گمیشان –مسکن مهر و آقای احمد خالدی بنشانی: گمیشان –جنب اداره کشاورزی ضلع جنوبی(همگی وراث آقای عبدالکریم خالدی)، ابلاغ می شود؛ که بانک کشاورزی شعبه بندرترکمن به استناد سند رهنی شماره ۸۳۲۴۸ –۸۴/۷/۶ و ۸۴۳۸۸ –۸۵/۶/۲۹ تنظیمی دفتر اسناد رسمی ۹ بندرترکمن جهت وصول مبلغ ۱/۶۶۹/۲۰۳/۴۷۹ ریال تا تاریخ ۹۵/۹/۲۲ بابت اصل و سود و خسارت تاخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی مبلغی معادل ۵۵۲/۳۱۷ ریال بابت خسارت تاخیر روزانه، به آن افزوده می گردد، بابت بدهی مذکور به بانک فوق بدهکار می باشید، طبق مقررات علیه شما اجراییه صادر نموده و پرونده اجرائی به شماره پرونده بایگانی ۹۷۰۰۰۲۰ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش های مورخه ۹۷/۷/۴ و ۹۷/۷/۳ و ۹۷/۷/۱۱ مامور ابلاغ اعزامی اداره پست بندرترکمن و اداره اجرای گرگان و گنبد، امکان ابلاغ واقعی در محل اقامت شما به شرح آدرس های مندرج صدرالاشاره، اعلامی از سوی بانک مذکور، میسر نگردیده و بستانکار نیز، نمی تواند شما را معرفی نماید و برای این اداره نیز، ابلاغ واقعی میسر نمی باشد، لذا بنا به تقاضای بانک بستانکار طبق ماده ۱۹ و ۱۸ آیین نامه اجرا مفاد اجراییه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی مورث خود اقدام ننمائید، مورد وثیقه مندرج در سند رهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفا خواهد شد. ضمنا اجراییه مورد نظر به خانم حاجیه بیکه خالدی در مورخه ۹۷/۷/۴ ابلاغ واقعی گردید.

حجت اله تجری –رییس ثبت اسناد و املاک بندرترکمن – ۲۳۰۰ م الف

خبر

اجرای نظارت عملیاتی بر برنامه اشتغال روستایی و عشایری گلستان

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از اجرایی شدن نظارت عملیاتی بر برنامه اشتغال پایدار روستایی و عشایری در استان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان، سعید مازندرانی در حاشیه بازدید از طرح های دریافت کننده تسهیلات اشتغال روستایی و عشایری‌بندرترکمن اظهارکرد:نظارت‌عملیاتی بر برنامه اشتغال پایدار روستایی و عشایری در سطح استان شروع شده و با نظارت مستمر و دقیق از انحراف احتمالی در روند این برنامه پیشگیری می شود. وی با تاکید بر اهمیت و حساسیت موضوع تسهیلات اشتغال روستایی و عشایری و همچنین لزوم بررسی و نظارت بر اجرای پروژه ها، افزود: نظارت مستمر بر اجرای درست منابع و تسهیلات اختصاص داده شده به پروژه ها در دستورکار دستگاه های اجرایی ذیربط قرار دارد و در صورت مشاهده انحراف، با خاطیان طبق آیین نامه اجرایی این طرح برخورد قانونی می شود.

افزون بر ۴۶ هزار تبعه ترکمنستان وارد ایران شدند

فرمانده هنگ مرزی اترک گلستان گفت: در ۹ ماه گذشته ۴۶ هزار و ۳۵۳ نفر از اتباع ترکمنستان از طریق مرز اینچه برون گنبدکاووس وارد خاک ایران شدند که ۹ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل است. سرهنگ محمدرضا سراوانی در گفتگو با ایرنا افزود: بیشتر اتباع ترکمنستان که وارد خاک جمهوری اسلامی شدند، در قالب تجارت چمدانی و سفرهای یک روزه بوده و دوباره به کشورشان بازگشته‌اند. وی اضافه کرد:اتباع کشور همسایه معمولا اجناس همراه خود را در بازارچه مرزی اینچه برون گنبدکاووس به فروش رسانده و برخی اقلام مورد نیازشان را نیز از این بازارچه خریداری می کنند. سرهنگ سراوانی گفت: در این مدت ۳۰۲ نفر از هموطنان ما از مرز اینچه برون به کشور ترکمنستان سفر کردند که ۲۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش داشته است. به گفته وی، بیشتر سفر اتباع ایرانی به ترکمنستان، چند روزه یا حداکثر یک ماهه بوده و با هدف بازدید از اقوام و آشنایان خود در کشور همسایه صورت می گیرد.مرزبان درجه یک جمهوری اسلامی در استان گلستان همچنین از ورود و خروج ۱۸ هزار و ۶۱۲ دستگاه تریلی ترانزیت ایرانی و خارجی از طریق مرز اینچه برون در ۹ ماه گذشته خبر داد و افزود: از این تعداد ۱۴ هزار و ۸۸ تریلی خارجی و بقیه ایرانی بودند. سرهنگ سراوانی گفت: دراین مدت ورود و خروج تریلی های ترانزیت داخلی و خارجی از مرز اینچه برون در مقایسه بامدت مشابه سال قبل، سه هزار و ۵۱۷ دستگاه کاهش داشته است. وی با ارائه گزارشی از عملکرد این یگان نظامی در ۹ ماه گذشته، اظهار داشت: دراین مدت ماموران مرزبانی، ۱۱ کیلو و ۴۶۸ گرم انواع مواد مخدر، ۲۴۳۴ پاکت سیگار، ۱۰ قبضه سلاح شکاری فاقد مجوز، ۹۱ دستگاه تجهیزات ماهواره، ۴۹۴۰ لیتر سوخت خارج از شبکه توزیع و ۱۰۷۳ قلم دارو و لوازم آرایشی و بهداشتی قاچاق کشف و ضبط کردند.سرهنگ سراوانی ادامه داد: در ارتباط با کشفیات انجام شده، در مجموع ۱۶۶ نفر دستگیر شدند که ۵۸ نفر آنان شکارچیان متخلف بودند. به گفته وی، در ۹ ماه گذشته هشت ملاقات مرزی درجه یک بین مقامات مرزبانی دو کشور ایران و ترکمنستان برگزار شده است.

۱۲۶ متکدی طی ۸ ماه گذشته در گرگان ساماندهی شدند

رئیس کمیسیون خدمات، فضای سبز و زیست شهری شورای اسلامی شهر گرگان گفت: ۱۲۶ متکدی طی هشت ماه گذشته در گرگان جمع آوری‌وساماندهی‌شدند.محمدابراهیم‌جرجانی در گفتگو با مهر اظهار کرد: معاونت خدمات شهری شهرداری گرگان در هشت ماه گذشته ۱۲۶ متکدی را جمع آوری و ساماندهی کرده است. وی افزود: از این تعداد ۶۴ نفر زن و ۵۶ نفر مرد بودند که دو مورد به بهزیستی، ۶ مورد به کمیته امداد، چهار مورد به مراجع قضایی و دو مورد هم به بیمارستان ارجاع شدند و ۱۷ مورد تحویل به خانواده، ۸۵ مورد تعهد کتبی و دو مورد به عنوان در راه مانده مورد ساماندهی قرار گرفتند.جرجانی ادامه داد: شهرداری گرگان یک ساختمان دو طبقه به مساحت ۴۳۵ مترمربع برای اسکان موقت متکدیان با نام مددسرای امید خریداری کرده است. وی اضافه کرد: از جمله اقدامات این مرکز جمع آوری متکدیان داخل شهر و ساماندهی آن ها، تأمین وعده غذایی و پوشاک متکدیان و شناسایی و جمع آوری کودکان کار خیابانی زیر ۱۸ سال و تشکیل پرونده برای آن ها است.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

نور تحلیل سیاسی بر نیمرخ ادبی

جلال و جبروت

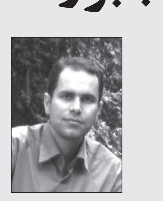

صادق پیوسته

نه‌تنها می‌شود چهره‌ای سیاسی را ورای نیمرخ ادبی جلال‌آل‌احمددید، بلکه به واقع می‌توان او را سیاسی‌کاری حرفه‌ای دانست؛ کسی که موقعیت قله‌ی زمانه‌ی خویش را برای غلتاندن توده‌ای کوچک که می‌توانست به بهمنی بزرگ شود خوب شناخت و چه آشکارا پنهان و هدفمند چنین کرد. آشکارا چرا که هیچ چیز در میانه‌ی اقدامات او پنهان نبود و نماند اما پنهان چرا که از فرط ساده پنداشتن، در آن زمان ، پیچیدگی کار بر کسی آشکار نشد و حتی می‌توان گفت که این جنبه از کارش، چنان نابرجسته ماند که گویی نبود اما امروز که چشم‌ها از عادت دیروز شسته شده‌اند، فهمیدن آنچه دیروز بس بی‌اهمیت پنداشته می‌شد، از همه سو و با نگاه‌های متفاوت، مهم انگاشته می‌شود. وقتی او متن غربزدگی را به عنوان گزارشی برای «شورای هدف فرهنگ ایران»دو مرتبه خواند و آنان انتشار این متن را روا ندانستند، گفت: هنوز زمان انتشار این متن برای وزارت فرهنگ ایران نرسیده‌است.می‌دانست که روزی در ایران، وزارت فرهنگ بر پایه‌ی چنین متنی تصمیم خواهد گرفت. او آن‌قدر زنده نماند که این متن را لابه‌لای متون درسی ببیند و نه‌تنها در وزارت فرهنگ که بعدها همچون سرلوحه‌ی اندیشیدن شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز ببیند. با این حال، او خوب می‌دانست که چه می‌کند و راز و رمزی را یافته بود که گویی صدایی بود زمزمه شونده در گوش خیل عظیمی از ایرانیان گرچه شواهد مادی با آن زمزمه همراه باشند یا نباشند. محمدحسین دانایی، خواهرزاده‌ی جلال‌آل‌احمد در مصاحبه بانسیم آنلاین،می گوید: جلال خیلی هوشمندانه و هدفمند در راه طرح روایت خود از مفهوم غربزدگی قدم گذاشت. او آگاهانه سه نسخه از این کتاب را که انتشارش ممنوع شده بود و قاچاقی چاپ شده بود، به مرحوم آشیخ علی دوانی تقدیم کرد که آن موقع از استادان حوزه‌ی علمیه بود. جلال به ایشان گفت:یک نسخه از کتاب را برای خودتان نگه دارید و یکی دیگر را به آقای خمینی در قم و سومی را به آقای مکارم شیرازی بدهید. این اقدام، نشان می‌دهد که جلال، پیش از این‌ها، لایه هایی از جریانات فکری و فعالان حوزه‌های علمیه را شناسایی کرده بود و سنخیت و تجارب مشترکی میان آن لایه‌ها و گروه‌هایی از جامعه‌ی روشنفکری تشخیص داده بود و سعی می‌کرد با طرحی حساب شده، زمینه‌ای برای پیوند این دو فراهم کند و چنین نیز کرد.

جلال‌آل‌احمد، نگاهی تجدد ستیز را در لایه‌هایی از روشنفکری ایران و لایه‌هایی از روحانیت یافته بود. لایه‌هایی که از نظر ابزاری، مدرن بودند اما با ارزش‌های مدرن، سر دشمنی داشتند. روشنفکرانی که اگر از رهایی توده‌های محروم یا عدالت حرف می‌زدند، دقیقا مانند روحانیانی که از لزوم توجه به قوانین و رفاه عامه سخن می‌گفتند، آزادی‌های فردی و اجتماعی را بر نمی‌تافتند و از خودآیینی و نوآیین‌شدن امور قدیم در سپهر اجتماعی جدید، نگران و شاید هراسان بودند. آنان، کسانی بودند که شاید حتی گامی فراتر از همالان خود، درگیر ابزارها و فناوری‌های جهان مدرن بودند اما می‌خواستند این‌ها را برای بازآفرینی ارزش‌های نقطه‌ای طلایی در جهان دیروز به کار گیرند و در یک کلام، بازگشت کنند به خویشتن؛ خویشتنی درخشان که گویی از دست رفته اما قابل بازیابی بود. جلال، نه‌تنها این لایه‌ها را شناخته بود بلکه همذات‌پنداری عمیقی با آنان داشت. گرچه سبک زندگی وی ولنگارانه‌تر از آن بود که پرهیز روشنفکران رهایی‌بخش یا مراجع روحانی شیعی را بپذیرید، هر جا که لازم بود می‌توانست به رنگ و روی اعوان و انصار و احباب اینان یا آنان درآید. این‌ها نه نقاب بلکه نیمرخ‌هایی از نویسنده‌ی چند چهره‌ی ادبیات ایران است؛ آن که بس سیاس‌وهوشمندانه‌زیست.

دانایی همان جا می‌گوید: جلال سرانجام باعث شد بی‌اعتمادی روحانیان و روشنفکران که ثمره‌ی سال‌ها تقابل و همکاری‌های ناکام بود، کمرنگ شود و زمینه‌ی تعامل و همبستگی لایه‌هایی از آنان که جلال شناخته بود و در صدد پیوندشان بود، در مورد مسایل سیاسی و اجتماعی از جمله در مورد مقابله با نفوذ بیگانگان و مبارزه با رژیم حاکم به عنوان آلت بیگانه، فراهم شود.وقتی جلال‌آل‌احمد برای تشکر از آقای خمینی به قم رفت، متوجه شد که آن نسخه‌ی کتاب غربزدگی که ذکرش رفت، زیر تشکچه یایشان هست؛ به شوخی گفت: آیا این اباطیل به دست شما هم رسیده است؟ آقای خمینی در جواب تأکید نمود که اینها اباطیل نیست وحرف‌های درستی است که باید از زبان ما گفته می‌شد و حالا شما گفته‌اید! پیوند به خوبی برقرار شده بود! او به اهمیت کاریزمای این آقا (که بعدا امام خمینی، رهبر انقلاب ایران شد) و نیز تأثیر دم ودستگاه تبلیغاتی وسیع حجت‌الاسلام مکارم، روحانی سرشناس و دست به قلم و آشنا به رسانه‌یآن روز (و آیت‌الله مکارم، مرجع تقلید مشهور امروز) پی برده بود. او سراغ کسانی می‌رفتکه از رسانه‌ها و ابزارهای مدرن استفاده می‌کردند اما همزمان، از نفوذ و جا افتادن ارزش‌های مدرن، ناخشنود و با آن‌ها در ستیز بودند. زمان نشان داد که جلال، انگشت بر نفرات درستی گذاشته بود و فن درستی را نیز برای برقراری پیوند برگزیده بود و متنی کارآمد هم نوشته بود که به گوش همه‌ی آنان که می‌خواست بشنوند و بپسندند، پسندیده آمد.

جبروت: جایی میان دیدنی‌ها و ندیدنی‌ها

در فرهنگ مصطلحات‌العرفا، آمده است که هر چیز از چیزها را سه قسم است؛ اول، ظاهر که ملک خوانندش؛ دوم، باطن که ملکوت نامندش و سوم، مقامی هست حد فاصل این دو که جبر و تدانندش یعنی که میان ظاهر و باطناست! این جایگاه را اگر نه به مداقه بلکه با کمی تساهل و طنز بنگریم، تصور خوبی را برای فهم جایی که جلال ایستاده بود و از آنجا به جامعه می‌نگریست، توصیف می‌کند. جایی که نه دیدنی است و نه نادیدنی! حتی می‌توانیم پا پیش تر بگذاریم. جبروت جلال، گویی جایی است که نه چیزی دیده می‌شود و نه چیزی نادیده است؛ گویی آنجا سراسر شهادت است و همه چیز برای آن که ایستاده در آن مقام، آشکار است اما همزمان، سراسر غیب است زیرا شواهدی برای گفتن آنچه آنجا هست، در اختیار ناظر ایستاده در آن مقام، نیست! اگر کسی در چنان جای شگفت‌انگیزی، به تفصیلی که آمد، بایستد که جلال ایستاد، می‌توان گفت که هم هست و هم نیست. هم واژگانی برای بیان آنجا دارد و همه آنچه او می گوید را درک می‌کنند و هم همه هیچ شاهدی بر آن سخنان که درک کرده‌اند، ندارند. گویی تنها همهمه است که هست و فهم همه، همین همهمه است و دیگر هیچ! گویی نوعی غیب‌گویی است که دلباختگان بسیار دارد، مثل همان مفهوم غربزده که بسیار از آن گفت و به دل بسیاری نشست اما حدود و صغور و مصادیقش نامعلوم ماند. غلامحسین ساعدی، در تاریخ شفافی هاروراد، این غیب گویی را ارزیابی شتابزده نامیده است. برای نمونه، به مقاله‌ی مسجد دانشگاه اشاره می‌کند که جلال در آن نوشت: حالا که بلندگو اختراع شده و دیگر نیازی به مناره نیست؛ مؤذن با بلندگو اذان می گوید اما مناره هم آنجا هست! او تنها وجه ابزاری مناره را می‌بیند. این جمله‌ها، نگاه ابزاری جلال را به خوبی نشان می‌دهند. او در حالی که غربزده‌ها را به نگاه ابزاری متهم می‌کند، خود گرفتار همین نگاه است. به عبارت خود او، جلال گرفتار غربزدگی مرکب است. اما غیب گویی جلال، فقط شامل ارزیابی شتابزده نیست. یکی دیگر هم هست که ساعدی این یکی را اسطوره سازی برای ترساندن دشمن می‌نامد. برای مثال، بی هیچ شاهدی می‌گوید صمد بهرنگی کشته شده است و این قضیه یواش یواش تبدیل می‌شود به عادت اغراق گویی و نوعی شایعه‌ی همه‌پسند که شواهدی ندارد اما پذیرش آن هست و نه تنها در مورد صمد بلکه در مورد خیلی از دیگران تکرار می‌شود.بعدها همین در مورد خود جلال هم تکرار شد یعنی وقتی در اسالم سکته کرد، همه جا باز پرشد از این شایعه که او را کشتند. جو شهیدسازی دیگر به خوبی همه‌گیر شده بود. جوی که ادبیاتش در جبروت جلال پرورده شده بود: جایی که وجود چیزی دیده نمی‌شود اما به درک عام می‌رسد. جایی که گویی بود و نبود شواهد برای اثبات وجود چیزها اهمیت ندارد و وجود همان حس همگانی کافی است.

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

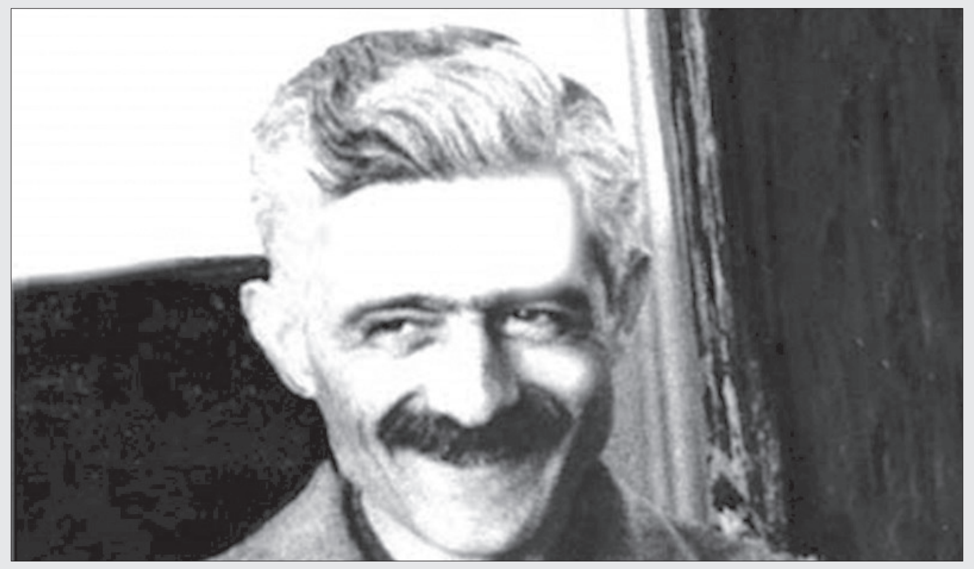

خبر

تزهایی درباره آل احمد

کاظم موتابیان

۱. آل احمد یک متفکر بود، یعنی او می کوشید به جای کشیده شدن توسط پارادایم حاکم، پارادایم خود را برسازد و باز گوید. با اینکه باز هم بارها توسط پارادایم های حاکم کشیده شد و در اسارت آن ها ماند اما همواره کوشید که تامل کند و راه خود را در پیش گیرد. همین است علت و ریشه تحولات و تطورات فکری و عملی وی.

۲. او کوشید در مقام یک روشنفکر، درباره این نقش بازاندیشی کند. هر چند همچون بسیاری دیگر از کارهای وی این یک ارزیابی شتابزده بود اما او راه را گشود، راهی که باید هر روشنفکری در آن وارد شود و درباره نقش خود در جامعه خود بازنگرد. او فقط راه را گشود اما بی شک در این راه، فرهنگ افراط نگذاشت او به یک ارزیابی بی طرفانه و علمی دست یابد. اما همین خود گام بزرگی بود.

۳. او کوشید در مقابل فرهنگ مسلط، ضد ارزشهای آن را بازنماید و راه را برای اعتماد به نفس به خود و تعامل با این فرهنگ، یعنی غرب، بگشاید. این گامی سترگ بود که دیگران هم آغاز کرده بودند ولی نقش آل احمد به دلیل وجاهت و شهرتی که آن زمان داشت، نقشی قابل توجه بود. با این همه زبان تند و شتابزده وی امکان یک تعامل علمی میان فرهنگ مسلط و سنت را فراهم نیاورد. این کار مستلزم آن بود که فرهنگ را به خودی و غیر خودی تقسیم نکنیم، و درهر نظریه به عنوان یک دستاورد بشری بنگریم، دستآوردی که باید مورد موشکافی و ارزیابی دائمی قرار گیرد. دوگانه غرب در برابر شرق، پاشنه آشیل هر گونه تلاش علمی برای دستیابی به راه حل هایی است که مشکلات واقعی موجود هر جامعه ای را هدف قرار دهد و برای آن ها راه حل جوید.

۴. آل احمد، نقش خود را داشت. او نه در وضعیتی که در آنیم نقشی فراتر از دیگر عوامل و افراد داشت و نه فروتر. گاه آن است که رویه رد و قبول یکجا را به کناری نهیم و درباره میراث او منصفانه و به روشی علمی بازاندیشی کنیم.نقدهایی که‌او رامنجی یامقصر می شمرند، کمکی به پیشرفت ما در هیچ حوزه ای نخواهد کرد.

۵. و بیش از هر چیز، نقدهای او درباره دانش رسمی باید مورد توجه قرار گیرد. نقد او بر نهادها مهم بودند و باید تداوم یابند. به قول فوکو مامحصول تاریخ نیستیم محصول نهادها هستیم و بدون نقد نهادها نخواهیم توانست راه را برای دیگردیسی هایی فراهم آوریم که به آفرینش انسان و جامعه ای نو بیانجامد، جامعه ای که در آن انسان نه تنها به خودشکوفایی تواند رسید بلکه بستر مناسب را برای دیگران فراهم خواهد آورد.

۶. باید که کوشش های آل احمد را برای گشودن راهی نو ارج نهیم بی آن که در دام آل احمد پرستی یا آل احمد ستیزی افتیم. و از یاد نبریم که:

آدمی در عالم خاکی نمی آید پدید   آدمی
دیگر بباید ساخت و ز نو ادمی

جامه عریان پان ترکیسم بر تن جلال آل احمد

پیمان حریقی

جان کلام اندیشه های جلال آل احمد را میتوان در دو اثر «غربزدگی» و « خدمت و خیانت روشنفکران» دید ، به عبارت بهتر به خلاف ترجمه ها ، سفرنامه ها و داستان هایش ، بن مایه های فکری آل احمد در این دو اثر نهفته است. آل احمد که در «خدمت و خیانت روشنفکری» تلاش میکند نسخه ای برایروشنفکران بپیچد ، بخشی را تحت عنوان «روشنفکران و مشکل زبان ترکی» به مساله زبان ترکی اختصاص میدهد. این در حالی ست که تمام کلید واژه های بکار رفته در این بخش را میتوان در درون گفتمان پان ترکیسم شاهد بود. از اغراق بی حد و حصر در جمعیت ترک زبان – که در اینجا از ذکر آن به دلیل تغییر جمعیت نسبت به سال انتشار کتاب خودداری میکنیم تا نادیده گرفتن حقوق قومی ترک زبانان و برخورد قهرآمیز با گویشوران ترکی. در ابتدا باید این نکته را خاطر نشان کرد که جلال فرزند حاج سید احمد طالقانی روحانی معمم روستای اورازان در توابع طالقان بود. برادربزرگتر ، پدر و تمامی اسلاف جلال از روحانیون بودند،همچنین مادر جلال امینه بیگم استانبول چی نام داشت.روستامذکور همان است که جلال کتاب کوچکی با همین عنوان «اورازان» ، در شرح فلکلور و آداب و رسوم آنجا منتشر نمود. جلال در مقدمه این کتاب آورده است «تمام طالقانی ها – که روستای اورازان هم تابع طالقان محسوب می گردد– زبان خود را تاتی میدانند» وی در مقاله ای با عنوان «چند نکته درباره خط و زبان فارسی» از سر جهل به ریشه ها و سیر تطور خط و زبان های ایرانی در طول تاریخ می نویسد:«هیچوقت معلومات خودمان را بخطی که از خودمان باشد ننوشتیم همیشه خط را از دیگران گرفته ایم یا اقتباس کردیم» جلال نویسنده کتاب غربزدگی در ادامه می آورد:« شاید هم به علت خاصیت گریز از مرکز برای این نوع اقتباس ها نظرمان همیشه به غرب بوده است ، نه به شرق مادر » بکار گیری واژه «شرق مادر» شگفت آور است ، او تصور میکند مشرق زمین مادر ایران زمین است در حالی که نظریه پردازان ژئوپلتیک ، ایران را هارتلند یا میانه زمین میدانند. آنچه که امروز هارتلند گویند ، چندین سده پیش نظامی گنجوی به قصیده ای با مطلع «همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین گفته خجل» بیان نمود. با این توضیح که hart در زبان انگلیسی به معنای دل می باشد. او معتقد است «هخامنشیان با اقتباس خط میخی این واقعیت اجتماعی را بیان کردند که ایل نشینانی تازه از راه رسیده اند و بیخبر از ادب شهرنشینی ، و هنوز مجبور به ییلاق و قشلاق اند که ناچارند پایتختی در شوش داشته باشند و پایتختی در پارس ...» اگرچه هر دو اینان پایتخت محسوب نمیشند و پایتخت اصلی ، تخت جمشید بود اما داشتن دو مرکز قدرت را امروزه در بسیاری از کشورها شاهد هستیم در آمریکا واشنگتن و نیویورک ، در استرالیا سیدنی و کامبرا و بسیاری مورد دیگر که هیچکدام نشانه ایل نشینی نیستند ، این صرفا ناآگاهی و بیخردی آل احمد است که بدون گزاره های دقیق علمی زبان در کام میگرداند. جلال ریشه تمام خطوط بکار گرفته شده نزد ایرانیان را در همسایگان و حکومت های شهری بابل و آشور و دیگران میداند؛ در باب ریشه های خط پهلوی ساسانی می آورد«در قسمت اعظم حکومت اشکانی ها و تمام مدت ساسانیان به پهلوی نوشتیم که خطی بود ماخوذ از فینیقی و آرامی ، خط اوستا هم که مورد استعمال انحصاری داشت تکامل یافته و تنقیح شده همین خط بود. و بعد هم که اسلام آمد خط عربی از کوفی و حمیری گرفته را خودمان اصلاح کردیم و در طول تاریخ اسلامی از آن ثلث و نسخ و نستعلیق را درست کردیم ، همین خطی که امروز با آن مینویسیم»

در این نوشتارمجال بحث در باب ریشه ها و سیر تطور خط های بکار رفته در میان ایرانیان از گذشته تاکنون نیست، آثار مورد وثوق مفیدی در این باب منتشر شده است نمونه آن «خط و دبیری» نوشته محمد مقدم ، «خط و فرهنگ» نوشته ذبیح بهروز ، مقاله «دبیری ذیل کتاب فرهنگ ایران باستان» نوشته ابراهیم پورداود و «سهم ایرانیان در پیدایش خط در جهان» نوشته رکن الدین همایون فرخاست. بدین سبب با ذکر چند نکته از آن گذر خواهیم کرد؛ نخست آنکه هرگز میان پژوهندگان آبشخور خط میخی دقیق یافت نشد ، برخی اصالت خط میخی را در آشور و برخی دیگر در میان کلدانیان و دیگران از بابل و گاه از سومر و فینیقه و یا شبه جزیره سینا در مصر میدانند به عبارت دیگر تمامی یافته ها در باب اصالت و مسیر مبدا و مقصد خط میخی بر اساس حدس و گمان است ذبیح بهروز به نقل از چاپ هفتم دایره المعارف انگلیسی منتشره در ۱۸۴۲ آورده است:«ظاهرا زمان اختراع خط را تاریکی غیر قابل نفوذی فرو گرفته است»

دوم آنکه با نگاهی به معماری ها ، اساطیر و حتی به نقوش بر جای مانده در دوران باستان میتوان به بده بستانهای گسترده معنوی و فرهنگی که ریشه در بده بستانهای مالی و تجاری داشت پی برد، امروزه باستان شناسان آثاری را در شرقی ترین نقطه فلات ایران یافته اند که به نمونه مشابه آن در غرب یا جنوب نیز دست یافته اند ، این نه تنها بر نقوش باقی مانده بر جام¬هاست بلکه در نقوش اساطیری یا معماری باستان نیز به وفور دیده میشود علت این امر مراودات گسترده تجاری بازرگانی میان این نقاط است که منجر به شکلدهی مراودات هنری و فرهنگی نیز گردیده است ؛ هرکس که در این حوزه سیاسی –فرهنگی زیست میکرد آداب و سنن و هنر و فرهنگ خود را با این سبک و سیاق وفق میداد ؛ همه ی اینها دال بر از نوعی نظام سیاسی است که به حکومت جهانی World Government موسوم است این حکومت جهانی اتحاد همه نوع بشر زیر سایه یک چتر سیاسی است یا آنگونه که هگل فیلسوف سیاسی آلمانی در باب دولت هخامنشی می¬آورد –به نقل از دکتر جواد طباطبایی ؛ وحدت در کثرت. آنچه حائز اهمیت است هخامنشیان ، خط میخی یا دیگر نشانه ها و شکلهای اساطیری را، سوای آنکه منشا و مبدا اش از کجابود –زیرا همگی بر پایه حدس و گمان هستند– به کمال رساندند به گونه ای که امروز نام خط میخی با نام هخامنشی گره خورده است اما از آنجایی که سخن از زبان پهلوی نیز به میان آمد باید این نکته را افزود که بر خلاف نظر عموم خطی که امروزه ما بکار میبریم، ریشه در اعراب بادیه نشینی ندارد که با فرمان عمر ابن خطاب و به واسطه شمشیر و خون بر دیار ایران حکم راندند ، نه تنها اعراب از آن پایگاه و جایگاه در فرهنگ برخوردار نبودند که بتوانند خط خود را به ایرانیان عاریت دهند بلکه زبان آنان از چند حرف مانند پ گ ژ چ عاری بود بدین سبب لازم است پرسیده شود که برای این حروف که مختص ایرانیان بود، علامت لازمه را از کدامین قوم دیگر به عاریت گرفتیم؟ پرسش دوم اینکه پیش از حمله اعراب ،ایرانیان از خط و زبان پهلوی استفاده میکردند ، چه دلیلی داشت که بخواهند جایگزینی برای آن ،و آن هم به واسطه قومی که به سرزمین شان یورش برده اند ، دست و پا کنند؟ ابن ندیم در الفهرست به نقل از ابن مقفع آورده است:«ایرانیان را هفت نوع خط است که یکی از آنان به نوشتن دین اختصاص داشت و به آن دین دفیریه –دبیره و به معنای خط دین – گویند خط دیگری نیز دارند که به آن ویش دبیره گویند و سیصد و شصت و پنج حرف دارد و با آن فراست و زجر و شرشرآب و طنین گوش و اشارت چشم و چشمک زدن و ایما و اشاره و امثال آن را می نویسند... خط دیگر کشتج گویند ... خط دیگری به نام نیم کشتج ... و شاه دبیریه ... فارسی هام دبیریه... و راز سهریه ... و راس سهریه و...» باری ؛ نه تنها این حروف بلکه اکثر حروفی را که امروز ما ایرانیان بکار میبریم ریشه در خط پهلوی دارد و بعدها رفته رفته به مرور زمان تغییر شکل داد. این نوشتار در صدد آن نیست که به بحث در باب زبان و خط بپردازد ، شرح ما بر این دو مقوله صرفا به جهت کشیدن خط ابطال بر آنی بود که آل احمد تصور میکرد میداند و نمیدانست. آل احمد در بخش روشنفکر و مشکل زبان ترکی در کتاب خدمت و خیانت روشنفکران ، با حسرتی کودکانه نسبت به برنامه های رادیوی کردی و گیلکی مینویسد:«فقط روزی نیم ساعت از رادیو تبریز چیزی به نام زبان ترکی پخش می شود. در حالی که نه تنها برنامه عریض و طویل رادیویی به زبان کردی هست بلکه حتی به لهجه گیلکی هم از رشت برنامه ها پخش می شود» او به محرومیت جامعه ترک زبان و تحمیل زبان ترکی اشاره میکند و در بحث از روشنفکران عصر مشروطه اشاره میکند که «عطف فرهنگی روشنفکر آذربایجانی یا به قفقاز است یا استانبول» در حالی که تمرکز بزرگان (روشنفکران) عصر مشروطه نه فقط به قفقاز و استانبول و نه فقط به دلیل عطف فرهنگی ست ، بلکه به بمبئی و کلکته و قاهره و تفلیس نیز است ، اما با توجه به جایگاه ویژه زبان فارسی در استانبول (هنوز هم میتوان آثار باقی مانده از دوران عثمانی به زبان فارسی را به وفور در این شهر دید) و همچنین با توجه به آنکه استانبول در میانه¬ی راه ایران– اروپا بود ، منزلگاه مناسبی برای متجددین عصر مشروطه تلقی میشد ؛ و نکته دیگر آنکه اگر بحث بر سر عطف فرهنگی است چرا هیچکدام از نویسندگان آذری عصر مشروطه که با تقدیری نامیمون به سرزمین دیگری رخت سفر بسته بودند، به زبان ترکی هیچ ننوشتند؟ و چه در قفقاز و چه در استانبول همگی از زبان فارسی برای نشر افکار خود بهره بردند؟ همچنین ما نمیدانیم که تکلیف آل احمد با دیگرانی که ترک زبان نبوده و در همان ایام به قفقاز و استانبول مهاجرت کردند چیست ؟ انگشت اشاره ما به میرزا حبیب اصفهانی ، احمد روحی ومیرزا آقای کرمانی است که سرش در تبریز پر از آرد و به تهران فرستاده شد ؛ و امثالهم. آل احمد سخن از «عطف فرهنگی» میزند ؛ غافل از آنکه این عطف نه عطفی فرهنگی ، بلکه عطفی فکری با روشنگران اروپایی همچون منتسکیو و ولتر و روسو و دیگران است. آل احمد در ادامه مینویسد :«نمیدانم که دقیقا از چه تاریخی زبان ترکی در آذربایجان رایج شده است» سالها پیش از او احمد کسروی در کتاب «آذری یا زبان باستان آذربایجان» در این باب به تفصیل سخن راند، که احتمالا آل احمد از این نوشتار غافل ماند یا خود را به غفلت زده بود ، به هر رویکسروی با بررسی وافی در آثار پیشینیان ریشه های انتشار زبان ترکی در آذربایجان را به دوران سلاجقه نسبت میدهد به هر حال آذربایجان تختگاه سلجوقیان، آق قیونلوها و قراقیونلوها بود که تاثیر عمده ای بر گسترش زبان ترکی در آن دیار داشت ، کسروی از مسالک الممالک نوشته ابن حوقل ، تنبیه الاشراف مسعودی ، احسن التقاسیم بشاری مقدسی و از یاقوت حموی و چندی از سرگذشت ها و خاطرات و دیگر نوشته ها بهره میبرد و زبان کهن آذربایجان را ، آذری که شاخه ای از زبان فارسی است ، می آورد.نخستین بارقه های زبان ترکی در آذربایجان به عصر سلاجقه باز میگردد و در عصر صفویه به دلیل آنکه آذربایجان آوردگاه و میدان معرکه لشکریان ترک زبان عثمانی و صفویه بود ، زبان ترکی در آنجا نضج یافت. آل احمد میافزاید :« اغلب اصطلاحات دولتی و حکومتی مثل عدلیه و نظمیه و بلدیه به تاثیر از ترکی استانبولی وارد فارسی شده است» ما نمیدانیم که او چه دلایلی برای این ادعا دارد اما او می افزاید:« به این علت است که – در عصر مشروطه – عده ای دیگر از منشی های درباری به دنبال شاهزاده ای که دوره استاژ خود را در تبریز گذرانده بود و برای سلطنت به تهران می آمد ، به این سمت می آمدند و صاحب کیا و بیایی در دستگاه دولت یا حکومت می شدند» اما ترکان که نامشان با شمشیر و خون در هم آمیخته شده است نمی توانستند واژگان مهم سیاسی را به فارسی عاریت دهند. باستانی پاریزی در حضورستان آورده است :« به قول مرحوم مینوی آنچه لغت مربوط به تاخت و تاز است، یا ترکی است یا عربی. مثلا وقتی خواهیم ایلغار را که یک ترکیب ترکی است معنی کنید باید بگویید چپاول ، که باز هم ترکی است و معنی آن میشود چپو – که ترکی است– و برابر آن میشود تالان که باز هم ترکی است و از آن تالاندن ساختیم ، و باز معادل آن یغماست که باز هم ترکی است و فارسی تر آن ترکتاز است که اگر معنی دقیقی بخواهیم برای آن بیاوریم ، کلمه غارت است که گویا عربی است و همه اینها معادل تاراج است که گویا ترکی است» آل احمد در ادامه به اعزام سرباز از مناطق ترک زبان به دیگر نقاط ایران و برعکس ، اعزام سرباز از مناطق دیگر ایران به آذربایجان سخن میراند و میپنداردکه منجر به خدشه دار شدن « رابطه سالم میان دولت و حکومت با مردم » می گردد ، نمیدانیم چرا وی اعزام سرباز به نقاط دیگر غیر بومی را فقط در میان سربازان آذربایجان میبیند ، مگر در نقاط دیگر ایران سربازان در شهر خود خدمت میکردند؟ همچنین او غافل است از این مهم که سرباز برای آموزش تحمل سختی – که بعدها ممکن است این سختی ها در هنگامه ی جنگ پیش آید ، باید در مناطق غیر بومی خود خدمت کند. آل احمد آورده است:« توجه کنید به تمام الفبا اصلاح کنندگان و زبان پیرایندگان – از فتحعلی آخوندف بگیر تا باغچه بان و کسروی که همه ترکند و آذربایجانی. و به احتمال قریب به یقین چون که هر کدام ایشان فارسی ما را نمیفهمند خواستند فارسی مخصوصی بسازند که خود میشناسند و می سازند» درحالی که نه تنها اصلاح کنندگان خط فارسی فقط در میان آذری ها نبودند و دیگران نیز – به عنوان مثال سعید نفیسی در این کار کوشیدند بلکه باید پرسید که رابطه میان اصلاح خط با زبان فارسی یا ترکی یا هر زبان دیگری مانند گیلکی و غیره چیست ؟ آن خواسته ، اصلاح خط بود و نه اصلاح زبان ، در این میان تنها احمد کسروی بود که واژگان خاصی را برای نوشتارش بکار می¬برد و به عکس ، کسروی نه تنها نقدهای جدی بر زبان ترکی وارد ساخت ، بلکه در صدد پالایش و بکارگیری زبان و لغات سره پارسی بود و آن را در قالب «زبان پاک» نشر داد ؛ با تمام این احوال هیچکدام از کسانی که آل احمد نام می برد نه نوشته ای و نه آثاری به زبان ترکی دارند و نه در پی آلایش و اصلاح زبان ترکی بودند و همگی علاقه وافر خود را به زبان فارسی نشان داده اند. آل احمد ادامه که سر جنگ میان فارسی و ترکی و گویشوران این دو را دارد ؛ شهریار را با نیما مقایسه می کند:«توجه کنید به شهریار، شاعر غزلسرای معاصر ، که به عنوان شاعر دست اول در زبان ترکی شناخته شده است و حیدربابا سلام او قابل قیاس است با افسانه نیما ، اما به عنوان شاعر فارس زبان غزلسرای دست سوم و چهارمی است» او تصور میکند اگر شهریار نتوانست از نیما پیشی بگیرد ، یا به قول آل احمد شهریار شاعر دست سوم و چهارم شد و نیما دست اول ؛ مقصر تحریمی ست که از سوی فارسها بر شهریار وارد آمد ، آل احمد نمیداند که مهمترین مزیت زبان ملی – که از سوی دستگاه های حاکمه رسمی میشود– در گستره ی آن است، چنانچه شهریار به شعرهای ترکی اش اکتفا میکرد و به فارسی غزلی یا قصیده ای نمی سرود امروز جز ترک زبانان کسی او را نمیشناخت ، چه بسا بسیارند شعرایی که به زبان محلی و مادری خود میسرودند و می سرایند اما برای دیگران ناشناخته مانده اند. باید به این نکته تاکید کرد که زبان ملی ، فراگیر است و بر هر کس با هر زبان محلی یا مادری که دارد تاثیرگذار.این نه بحث بر سر زبان ترکی و به قول آل احمد تحریم زبان ترکی از سوی زبان فارسی است ؛ بلکه بحث بر سر فراگیر بودن زبان ملی و رسمی– در اینجا فارسی– است ، به عکس ، اگر نیما نیز «افسانه»و دیگر سروده هایش را به مازندرانی می سرود جایگاه اش با آنچه امروز دارد متفاوت می شد اما نیمایی که به بلوچ و هرمزگانی و کرد و آذری و دیگران او را می شناسند نیاز بود که به فارسی بسراید. خاستگاه زبان فارسی به خراسان باز میگردد که امروزه بخش هایی از آن در خارج از مرزها کنونی ایران قرار گرفته است و آنگونه که شادروان پرویز ناتل خانلری در یکی از شماره های مجله سخن آورده بود زبان مردم شیراز و استان فارس هم فارسی نیست وی تنها دو غزل از سعدی و یک غزل از حافظ را بر میشمرد که به شیرازی سروده شده اند ، اگر حافظ و سعدی نیز اشعارشان را به شیرازی میسرودند امروز جز مردم شیراز کسی آنان را نمیشناخت. در اینجا بد نیست به این نکته هم اشاره شود که شهریار خود در تاریخ شنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۰ در مصاحبه ای منتشره در روزنامه اطلاعات فارغ از تفرقه–افکنی ها و تفکیکاتی از جنس آل احمد ، به دیدارش با نیما و شوق مصاحبت با او میگوید. از آن سو جلال نیز در ارادت اش به نیما تا آنجا پیش رفت که بنا بر رثایی که در زمان درگذشت نیما با نام «پیرمرد چشم ما بود» خواند، تکه زمینی از وزارت فرهنگ در شمیران و در نزدیکی خانه نیما گرفته و در آن خانه ای (به قول خود جلال ، لانه ای) ساخت و میگوید:«راستش اگر او –منظور نیما است – در آن همسایگی نبود آن لانه ساخته نمی شد و ما خانه فعلی را نداشتیم»

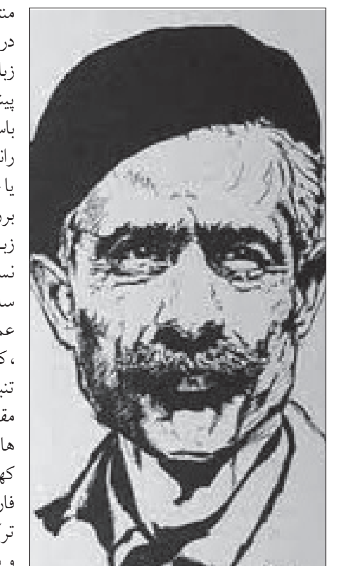

در پایان آل احمد می افزاید:«من میخواهم در پایان این فصل که از مشکلات روشنفکری در ایران بر شمرده ام صراحت بیشتری در کار بیاورم و بگویم ...کُشتن فرهنگ ترکی در حوزه آذربایجان.»

و پایان سخن ما نیز آنجاست که آل احمد غرق در توهماتیبود که امروزه اسباب دست گروه افراطگرای قومی ترک زبان ، موسوم به پان ترکیسم ایرانی ، شده است ، هیچکدام از گزاره های آل احمد شالوده علمی ندارند او جز مخالف خوانی چیز دیگری در پس ذهن اش ندارد و به هر حیلتی رطب و یابس خود را می بافد. داوری اردکانی در «انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم» روشنفکر را اینگونه تعریف میکند:« روشنفکر اگر به فلسفه هم بپردازد ،آن را مبتذل میکند و در خدمت سیاست و ایدئولوژی قرار میدهد و یا مهمل بودن آنرا اثبات میکند ... روشنفکر به علم و عمل هم کاری ندارد آنها همه وسیله و شاید مشغولیت است البته برای کسی که در رویای قدرت از قدرت دور است ، ادبیات و ایدئولوژی پناهگاه مناسبی است» و در پایان می آورد:« روشنفکر با مقاصد سیاسی در فلسفه و ادبیات وارد میشود ولی معمولا نه فیلسوف است و نه شاعر حقیقی ؛ و اگر به فلسفه و شعر می پردازد ، اولا تلقی او ایدئولوژیک است و ثانیا چون به عمق فلسفه نمی رسد ، التقاطی است و پیداست که آثار توجه ایدئولوژیک و التقاطی به فاسفه در عین حال که نشانه پریشانی و پراکندگی عقل و خیال است ، موجب پریشانی و پراکندگی بیشتر در قول و فعل می شود ... ولی روشنفکر به این معانی اهمیت نمی دهد او در باب عمل سیاسی حرف می زند و حقیقت وجود او این است که دور از نظر و عمل جدی به تبلیغ و توجیه سیاست زدگی بپردازد.»بی سبب نیست که این نوع نگرش های پان ترکی هرگز نتوانست در میان نخبه گان آذری نفوذ کند؛ بیشترین هواداران این نگرش را فقط میتوان در مسابقات فوتبال دید. البته این نکته را فراموش نکنیم که آنگونه که از نوشته های آل احمد بر می آید، او نه از فلسفه چیزی میدانست و نه از سیاست ، او فقط سازش ناکوک بود. اگرچه علی شریعتی ، جلال را پیشتاز «بازگشت به خویشتن» در ایران میداند اما این بازگشت از نظر شریعتی بازگشت به اصالت اسلامی است و خویشتن شریعتی ، چیزی جز اسلام علوی نیست.اما به واقع این نشستن بر گرداب موهوم فکری خود و با نیت تلاش برای شرح مفاهیم تهی از مضمون بود .

روشنفکر ما عاقبت در شهریور ۱۳۴۸ در سن چهل و پنج سالگی در روستای اسالم خلخال به گفته همسرش سیمین دانشور بر اثر «آمبولی» و «س کته قلبی» ناشی از «افراط در درینک و سیگار پشت سیگار» درگذشت.

بی‌هنر گرچه‌به‌تن دیبه‌چینپوشد/به‌پشیزی‌نخرندش‌چوشودعریان

معرفی

کتاب سلامت روان از منظر خیام به قلم سیده مطهره نبوی منتشر شد

سلامت روان از منظر خیام
سیده مطهره نبوی

این کتاب در قطع رقعی و در ۶۰ صفحه درسال۱۳۹۷ به طبع چاپ توسط نشر یاقوت سرخ آراسته شد.

تز کانونی کتاب چنانکه از عنوانش پیداست، سلامت روان از منظر خیام می باشد که در سه فصل تنظیم شده است.در فصل اول به مفهوم شناسی سلامت روان پرداخته و از سه شاخص سلامت روان در رابطه با فرد یا دیگری و شرایط نام برده و توضیح داده است. در فصل دوم به رویکرد روانشناسانه پرداخته شده است و در فصل سوم به صورت خاص موضوع سلامت روان از دیدگاه خیام را مورد بررسی قرار داده و با سوُتیترهایی چون دیدگاه خیام و سلامت روان در ارتباط با فرد، در ارتباط با دیگری و با شرایط، تجزیه و تحلیل گردیده و در هریک از سوُتیترها مثال هایی نیز ذکر شده‌است.مثلاخیام در رابطه با سلامت فرد می گوید: می خوردن و شاد بودن آیین منست فارغ بودن ز کفر و دین، دین منست.(رباعی:۴۱)

درارتباط بادیگری چنین میگوید:

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
وین یکدم عمر را غنیمت شمریم (رباعی:۱۱۳)

درپایان عمرخیام پیشنهاداتی برای سلامت روان دارند و چنان می گوید:

ای دل چوزمانه می کند غمناکت
ناگه برود زتن و روان پاکت
برسبزه نشین و خوش بزی روزی چند
زان پیش که سبزه بردمد از خاکت(رباعی:۱۱).